

## باب نهم

اشغال سفارت آمریکا که با واکنشی گسترده در سطح جهانی همراه گشت و سپس تجاوز نظامی عراق به ایران که با سکوت و بی‌پشتیبانی تلویحی مجامع بین‌المللی روبرو شد، مهمترین عواملی بودند که باعث شدند دولت برآمده از پیروزی انقلاب برای حفاظت از تمامیت ارضی و دفاع از منافع کشور به منطق جنگ تن دهد. سرایت خواسته یا ناخواسته این منطق به سیاست داخلی کشور و تأثیر متقابل جو حاکم در روابط داخلی بر سیاست خارجی کشور در جهت تحکیم این منطق عمل نمود و تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و ترک مخاصمه با عراق، وجه غالب سیاست خارجی و داخلی را تشکیل می‌داد. در ارزیابی آنچه در این دوران بر کشور گذشت، تشخیص آنکه انقلاب تداوم منطقی خویش را در جنگ یافت و یا آنکه جنگ، تعمیم سیاست‌های انقلابی را بر تمامی روابط بین ایرانیان می‌طلبد، مشکل است. مسلم آن است که الزامات پیشبرد جنگ، رویکردهای خاصی را بر سیاست داخلی کشور تحمیل کرد که آن نیز به نوبه خود بر عملکرد سیاست خارجی کشور تأثیر گذاشت. از نتایج این دگرگونی، خروج تدریجی مباحث سیاست خارجی از حیطه مباحث جاری در جامعه بود و بسته شدن باب گفت‌وگو در اطراف آن و طرحش از منظرهای مختلف.

با پایان یافتن جنگ، منطق صلح جایگزین منطق جنگ شد و بار دیگر رویکردی در عرصه سیاست خارجی بر شکل‌گیری روابط جدید اجتماعی سیاسی در داخل کشور تأثیر

خویش را گذاشته است. جوانی از این تاثیر آشکارا به چشم می خورد؛ اولویت مسائل بازسازی، گشایش فضای مطبوعاتی، توسعه دامنه مباحث اجتماعی و جستجوی راه های مناسب بسیج عمومی برای پشتیبانی از برنامه های سازندگی از جمله روشن ترین این تغییرات هستند. این تغییرات و الزامات دوران بازسازی، اتخاذ مواضع جدیدی را می طلبد که رویکرد سیاست خارجی ایران به خط مشی ای اروپایی را می توان به عنوان یکی از نشانه های بارز آن به شمار آورد. در عین حال این نکته را باید خاطر نشان ساخت که تاثیر اتخاذ منطقی صلح در روابط بین المللی بر سیاست داخلی همگون نبوده است. آنجا که توسعه و بسیج قوای مردمی جهت تقویت بنیه اقتصادی کشور، آشکارا به رکن اساسی تلاش دولت تبدیل شده است و می رود تا چارچوب های حقیقی و حقوقی مناسب خویش را بیابد، رویکردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هنوز برای همسو شدن با برنامه های اقتصادی با مشکلاتی اساسی روبرو هستند. آنجا که تشویق جامعه به مشارکت در امور بازسازی از طریق برنامه های خصوصی سازی، فروش اوراق قرضه، تأسیس مدارس غیرانتفاعی و مهم تر از همه، حذف تدریجی یارانه بر ارزاق و کالاهای مورد نیاز به منزله راه حل های جایگزین برنامه های اقتصادی سال های اول انقلاب مطرح و اتخاذ می شوند، هنوز بسیاری از مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به گونه ای مطرح و بیان می شوند که هرگونه بحث و تبادل نظر پیرامون آنها غیر ممکن می نماید؛ حال از مسائل اساسی و مهم چون تداوم قطع رابطه با آمریکا یا مناسب ترین سیاستی که باید در ارتباط با صلح در خاورمیانه اتخاذ شود گرفته تا مسائلی که شاید به نظر فرعی تر بیایند، همچون روابط خارجی ایران با کشورهای منطقه. موضع دولت در اغلب این مسائل روشن است؛ تداوم قطع رابطه سیاسی با آمریکا و ناحق شماردن و طرد روند صلح در خاورمیانه. اما نه قطعیت این موضع و نه حدت و شدت پیگیری آن هیچ یک مستلزم آن نیست که نقطه نظرهای دیگری نتوانند مطرح و به بحث گذاشته شوند، بلکه برعکس تبادل نظر در این زمینه را باید به عنوان یکی از ضروریات تعالی سیاست ها و یا یافتن راه های مناسب تری برای عملی کردن حتی همین سیاست موجود گرفته شود.

اینکه چرا مباحث سیاست خارجی از منظر دیگری جز آنچه منطق عمومی حاکم بر حذف یارانه، خصوصی سازی مراکز اقتصادی، عضویت ایران در گات و غیره باید برخوردار باشد، معلوم نیست؟ نه تاثیر سیاست خارجی لز حذف یارانه بر زندگی روزمره مردم بیشتر است و نه اهمیت آن برای سرنوشت کشور کمتر. نه مبحث سیاست خارجی از مباحث اقتصادی پیچیده تر است و نه مواضع اتخاذ شده امروزی دولت در این زمینه چنان اظهار من الشمس که نتوان برای آن تالی مناسب تری را از ذهن دور کرد. تغییرات ایجاد شده در رویکرد اروپایی سیاست خارجی ایران در سال های اخیر خود بهترین نشان از این امر است

که سیاست خارجی کشور نیز می تواند و می باید با نیازهای اساسی کشور و الزامات اصلی آن که بهبود شرایط زندگی و حفظ تمامیت ارضی باشد، همسو و همساز گردد. و در این زمینه نیز شیوه ای مناسب تر از جلب مشارکت عمومی و تدارک فضایی که در آن صاحبان نظر بتوانند آزادانه به بحث بنشینند، وجود ندارد.

تدارک این شماره فصلنامه گفتگو بدون یاری اساتیدی که سال هاست تحقیق در سیاست خارجی ایران را در صدر برنامه های خود قرار داده اند و امروز نیز طرف مشاوره نهادهای پژوهشی وزارت امور خارجه در این زمینه هستند، میسر نبود. دکتر هوشنگ امیراحمدی به درخواست ما برای همکاری در تدارک این شماره پاسخ داد و به منزله عضو مدعو هیئت تحریریه، بار قسمت مهمی از آن را تقبل نمود. او علاوه بر مقاله ای که خود برای این شماره تهیه کرد، از خانم شیرین طهماسب (هانتر)، آقایان گری سیک و کازونو تاکاهاشی خواست که در زمینه های مورد توجه این فصلنامه مقالاتی را در اختیار بگذارند. مقاله خانم طهماسب و آقای امیراحمدی برای گفتگو نوشته شده اند و مقالات آقایان گری سیک و کازونو تاکاهاشی نسخه بازبینی شده نوشته هایی هستند که پیش از این در نشریات تحقیقی دیگری به چاپ رسیده اند. بدینوسیله از تمامی این همکاران و به ویژه هوشنگ امیراحمدی تشکر می نمایم.

گفتگو

سردبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی